

«نامه ماهانه ادبی، تاریخی، علمی، اجتماعی»

آنگاه آنگاه

شماره - هشتم
آبان ماه
۱۳۵۳

سال پنجاه و ششم
دوره - چهل و سوم
شماره - ۸

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس: استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده: محمود وحیدزاده دستگردی - نسیم)

(دبیر اول: محمد وحید دستگردی)

ترجمه: دکتر محمد وحید

لئوتولستوی

«عقل و دین»

- یکی از دوستان نامه‌ای بمن نگاشته و ضمن مطرح ساختن سه سؤال از من خواسته است که بآنها پاسخ دهم ، سه سؤال او بشرح زیر است:
- ۱- آیا بر مردم عادی فرض است که چون روشنفکران و عقلاء در باب حقیقت دین تفکر کنند و عقاید خویش را در این زمینه ابراز دارند؟
 - ۲- آیا اصولاً درک معنی دین امری ضرور است؟
 - ۳- وجدان و عقل چه هستند و هنگامی که آدمی نسبت به مطلبی اعتقاد می-

آورد و یا در مورد آن دچار شك و تردید می شود آیا تحت تاثیر کدامیک از این دو عامل قرار می گیرد؟

بنظر من سؤال دوم سؤال های اول و سوم را نیز شامل است. چون اگر مسا در مورد معنی دین تفکر نکنیم و مفهوم آنرا درك ننمائیم عملاً نخواهیم بتوانست حقایق مربوط بآن را بیان داریم و در لحظات شك و تردید میان وجدان و استدلال نادرست تفاوت نمی توانیم نهاد. اما در صورتی که نیروی فکری خود را در طریق درك مفهوم دین بکار اندازیم آنگاه می توانیم اصول آن را بنحو احسن دریافت و روشن ساختن اذهان دیگران نیز کمک شایان کنیم. بنابراین من صحت سؤال شما را ناثید می کنم و معتقد هستم که هر کسی برای آنکه وظیفه خویش را نسبت بخالق خود انجام دهد باید با استعانت از نیروی فکری خویش اصول دین را دریابد تا بتواند در طریق صواب گام بردارد و در زندگانی سعادت مند گردد.

در میان کارگرانی که بکار جاده سازی اشتغال دارند و از نعمت سواد بکلی بی بهره اند این عقیده شایع است که محاسبات ریاضی با حقیقت مغایر است و از این جهت این محاسبات محل اعتماد نمی باشند. این چنین عقیده ای ممکن است ناشی از آن باشد که این کارگران از علم ریاضی بکلی بی اطلاعند ولی علت آن هر چه باشد این نکته مبرهن است که این کارگران بصحت محاسبات ریاضی اعتقاد ندارند و اکثر آنان در این مورد آنچنان تعصب دارند که مباحثه و استدلال نیز آنان را قانع نتواند کرد. نظیر چنین عقیده ای در میان مردمی که من آنها را بی دین می خوانم شیوع یافته است و این قبیل مردم معتقدند که عقل نه تنها قادر نیست مسائل دینی را حل کند بلکه خود موجب گمراهی نیز می شود.

علت ذکر این مطلب آن بود که فکرمی کردم شما نیز چون این افراد دچار اشتباه شده و چنین تصور کرده‌اید که از طریق عقل نمی‌توان به حقیقت دین پی برد و اصولاً اعتقاد باین موضوع همانقدر عجیب است که کسی محاسبات ریاضی را قابل اعتماد نداند.

خداوند عقل را در نهاد آدمی بودیعت نهاده است تا بوسیلهٔ آن هم خود را بشناسد و هم ارتباط خویش را با جهان دریابد. دین شناختن معنی زندگانی و جهان وزیستن بآین خرد است. پس همانگونه که انسان از نیروی عقل در حل مسائل زندگانی کمک می‌گیرد و بمدد آن بامور عالم پی میبرد لاجرم برای دریافتن معنی دین نیز عقل او را بهترین راهنماست.

بعضی از مردم را عقیده بر آنست که خدا را از طریق ایمان یسا الهام بهتر میتوان شناخت. من با این عقیده سخت مخالفم بدلیل آن که اگر عقل راه راست را بمان نشان ندهد از هیچ طریق دیگر نمیتوان بعمق مساله‌ای راه برد. اگر معتقد باشیم که عقل ممیز خوبی و بدی نیست و نمیتواند ما را براه راست هدایت کند مانند آنست که بشخصی که در زیرزمینی تار بک بکمک نور چراغ دستی گام برمی‌دارد بگوئیم چراغ خویش را خاموش سازد و بجای روشنائی آن از چیز دیگری استفاده کند. اما ممکن است گفته شود که همهٔ افراد انسان از نیروی تفکر و تعقل بهره‌مند نیستند و بدین جهت نمیتوانند افکار خویش را بطور مطلوب بیان دارند و مخصوصاً در مورد مسائل مربوط بدین ممکن است دچار اشتباهات فراوان شوند. در خصوص این مطلب من باین جمله انجیل استناد میکنم که میگوید «مردم عادی آنچه را که از نظر عقلاء پنهان است میدانند». این جمله تعجب آور نیست بلکه به عکس حاوی حقیقتی مسلم و شك‌ناکردنی است. و این حقیقت آنست که هر آدمی در جهان وظیفه‌ای دارد که باید آنرا انجام دهد و شاخص این وظیفه تنها عقل او است و با استعانت

از عقل است که می‌تواند بوظیفه خویش بطریق اکمل رفتار کند. کسانی که باین اصل اعتقاد ندارند عمدتاً نخواسته‌اند از راهنمایی‌های عقل استفاده کنند و به همین جهت در زندگانی همیشه بامشکلات بسیار روبرو می‌شوند.

عقل در راه پرپیچ و خم زندگی هادی ما است، بوسیله آن می‌توانیم حق را از باطل تشخیص دهیم، اصول دین را بشناسیم و احادیث بی‌اساس و خرافی را از حقایق جدا کنیم. پس بر هر کسی واجب است که در تشحیذ نیروی عقل بکوشد و پیوسته در حل غوامض و امور مهم از آن کمک گیرد تا در درک مسائل حیات و حقایق عالم موفق گردد. بنابراین آنچه مخالف عقل و خرد است مقبول نمی‌باشد و جز عقل و خرد عامل دیگری شایسته اعتماد نیست.

پس من در جواب سئوال شما می‌گویم که تأمل و تفکر در باب معنی دین و یافتن طریق صحیح زندگانی مهمترین و اساسی‌ترین وظیفه انسان است. اهمیت آن مخصوصاً از این جهت است که ما را بسوی خدا رهنمون خواهد شد و ماناگزیر از اطاعت او امر الهی خواهیم بود. شناختن خداوند از طریق خواندن و مطالعه کتب دینی و یا استماع سخنان و اعظان تیره مغزوبی عمل که پیشه و کاری جز فریفتن مردم و گمراه کردن آنان ندارند میسور نیست بلکه تنها عقل است که می‌تواند انسان را بیارگاه پر عظمت الهی نزدیک کند. پیشرفت تمدن این حقیقت را روشن تر می‌سازد و انسان با گذشت زمان بیش از پیش متوجه این نکته می‌گردد که شناخت خداوند و رشته پیوند او با آدمی مقدس‌ترین وظیفه‌ای است که او بر عهده دارد.

خیلی خوشحال خواهم شد اگر این گفتار شما را قانع تواند کرد.